



تعلیمات ابتدائی

یا

تحصیلات عالی؟

بقلم آقای دکتر مشرف نفیسی (۱)

لزوم مقدم داشتن تعلیم عالی بر ابتدائی - پرستان سالی هزار شاگرد باروبا .

آیا امروزه در مملکت ایران تحصیلات عالی لازم تر است یا تعلیمات ابتدائی؟ - این موضوع جالب توجهی است که مجله آینده مطرح نموده است . بعد از فضیلائی نامی که در این زمینه قلم فرسایی کرده اند مداخله من بحکایت آنکودکی می ماند که بر قایت چهارصد تیر انداز ماهر خواست تیر کمان بچگانه خود را از میان حلقه انگشتری بگذراند . ولی چون موضوع برای این مملکت حیاتی است و هر کس موظف باظهار عقیده میباشد اینجانب نیز عقیده خود را ابراز میدارم شاید که بگفته سعیدی آنجا که متخصصین فن عاجز میشوند کودکی نادان ، بغلط بر حذف زند تیری .

شوشگاه * * * * * مطالعات فرهنگی

در ایران هنوز کسانی هستند که منکر تحصیلاتند . چه بسا با گوش خود از اشخاصی ونه از بست ترین این مملکت شنیده ام که : « ایران حقوق دان لازم ندارد » یا « اقتصاد یعنی چه ؟ علوم سیاسی چه فایده دارد ؟ » یا « اشخاص تحصیل کرده مرد کار و عمل نیستند » وغیره .

آیا مقصود مجله آینده از سؤال فوق اینست که بدانند بین آنها و مخالفین آنها کدام حق دارند ؟ گمان نمیکنم ، زیرا با این قبیل اشخاص دلیل گفتن ائتلاف است :

(۱) مشرف الدوله ، سابق ، دکتر در علم حقوق (مالیه) اوزدارالعلوم یاریس .

باسیه دل چه سود خواندن وعظ زود میخ آهنین بر سنگ
 بعقیده اینجانب مقصود از سؤال مزبور اینست که با داشتن وسائل
 محدود آیا بایستی تمام قوا صرف توسعه تعلیمات ابتدائی بشود یا اینکه
 بهتر است تمام وسایل بین شعب مختلفه معارف تقسیم، قسمتی بمصرف
 تعلیمات ابتدائی رسیده بقیه به تحصیلات متوسطه یا عالیه اختصاص یابد؟
 در مملکتی که عواید سرشاری بمصارف معارف میرسد اصلاً چنین
 سؤالی مورد ندارد زیرا برای اشاعه تعلیمات ابتدائی در تمام زوایای
 مملکت و برای تأمین مدارس عالیه توأمأً بقدر کافی پول موجود است .
 اما در ایران که ۲۵ میلیون تومان عایدی بایستی تمام حوائج عمومی
 را برگذار کند و فقط مبلغ کوچکی سهم معارف میشود یکمده از
 علاقه مندان بترقی ایرانیان از خود سؤال میکنند آیا این مبلغ جزئی
 چطور بهتر است صرف شود تا حدّ اکثر استفاده از آن حاصل گردد؟
 و ضمناً درست شبیه بحال شخصی است که با هزار تومان پول میخواهد
 خانه بسازد نمیداند این پول را بمصرف ساختمان خانه کوچکی برساند
 که تمام لوازم زندگانی يك خانواده متوسط الحالی را دارا باشد یا عجله با
 پول موجود پایه يك قصر سلطنتی را بنا و صبر کند تا بعد ها که بقیه
 پولش رسید دیوار و سقف و سایر قطعات خانه را تکمیل نماید . بکنفر
 میگوید عجله این خانه محقر را میسازم و وسایل راحتی خود را در
 زمستان و تابستان فراهم میآورم بعدها اگر وسائلش پیدا شد این خانه
 را توسعه میدهم . دیگری میگوید خیر من عجله نقشه قصر سلطنتی میکشم
 و پایه های این قصر را بنا میکنم چنانچه در آئینه انشاء الله تعالی بولی
 رسید قسمتهای دیگر قصر را هم میسازم و نارسیدن آن موقع در نداشتن
 خانه باکی ندارم زیرا درویش هر کجا که شب آید سرای اوست .
 کدام يك ازین دو نفر حق دارند و اگر شما که خواننده این
 مقاله هستید در سر این دوراهی واقع میشدید کدام ره را ترجیح میدادید؟

نظریات مختلف است و نمیتوان گفت هرکس درین زمینه بافکرمان موافق نیست یقیناً اشتباه میکند. باید با دلایل منطقی رجحان عقیده خود را بر عقیده مخالف ثابت نمود - ما هم در این مقاله همین رویه را برای رد عقیده طرفداران تعلیمات ابتدائی انحصاری اتخاذ میکنیم اعتراف میکنیم دلایل که برای رجحان تعلیمات ابتدائی بر تحصیلات عالی ذکر شده خیلی محکم است ولی هیچیک قاطع نیست و میتوان بسهولة دلایل محکم تری برای نقض آنها اظهار داشت. نمیتوان منکر شد در مملکتی که حکومت دموکراسی حکمفرماست یعنی عموم افراد ملت در تعیین سیاست حکومت و مقدرات مملکت شرکت دارند برقرار کردن تعلیمات ابتدائی عمومی ضرور است و وکلای مجلس و وکلای انجمنهای ولایتی و بلدی را افراد انتخاب میکنند یا افراد در تشکیل محاکم و هیئت های قضائی شرکت مینمایند؛ عنصری که نداند وطن چیست و مصالح مملکت کدامند چگونه میتواند وکیل را که وضع کننده قوانین و تصویب کننده امتیازات و عهدنامهها و تشکیل دهنده حکومتها میباشد از روی لیاقت و فهم انتخاب نماید ؟

منتخبین نادان وکلای نادان بمجلس میفرستند و آنها هم بامملکت همان رفتاری را میکنند که طفل خرد سالی بایک اسباب بازی گرانبهای لطیف رفتار مینماید یعنی فوراً آنرا میشکنند. هم چنین ساکنین بی سواد شهرها بادهات چگونه میتوانند سرنوشت شهر باده خود را بدست وکیل بلدی بسپارند که مصالح حقیقی آنها را درک و لوازم راحتی و نظافت و حفظ الصحه عمومی را فراهم آورد ؟ اشخاص بی سواد چگونه میتوانند در هیئت های حاکمه شرکت کرده و حق را از ناحق و جانی را از بی گناه تمیز دهند ؟

در مملکتی که اشخاص بی سواد اکثریت ملت را تشکیل میدهند برقرار کردن حکومت دموکراسی خطرناکترین طرز حکومتها خواهد بود زیرا مؤسسات عمومی در دست یک « پلوتوکراسی » (۱) نالایق و فاسد

(۱) Ploutocratie

اقتاده که منافع خصوصی را بر مصالح عمومی ترجیح و با دست خود اضمحلال مملکت را سبب میشوند .

در مملکتی که اکثریت بدست اشخاصی است که مدرسه ندیده اند آزادی حقیقی هیچوقت وجود ندارد زیرا آملت در مقابل افراد جاه طلب که آزادی عمومی را محل منافع خود میدانند قوه مقاومت نداشته و همیشه حکمرمایانی بر خود مسلط میکنند

از طرف دیگر در مملکتی که تعلیمات ابتدائی عمومی نباشد هیچوقت استقلال خارجی از خطر محفوظ نخواهد بود. هر چند در آن سرزمین سلطان مقتدر، وزیران دانا و سپاه نیرومندی باشند باز هم مواقع ضعف و بجران پیش خواهد آمد. در چنین مواقع تأمین استقلال مملکت با عموم افراد ملت است که بزور وطن پرستی و فداکاری در مقابل پیش آمدها و مصائب خود داری نموده نگذارند وطن آنها مورد تهاجم خارجیان واقع شود. یاد دارم در دیباچه تاریخچه جنگ بین المللی که یکی از مؤرخین معاصر فرانسه نوشته است خواندم که دولت فرانسه از چند صد سال قبل تا کنون مکرراً اعلان تجهیز عمومی و جهاد ضد خارجیان صادر و عموم افراد را به برداشتن اسلحه دعوت نمود ولی هیچ وقت احکامش کاملاً اجرا نشده و واقعاً قشون ملی تشکیل نگردید جز درین جنگ اخیر که تمام افراد بدون تفاوت حزب و طبقه بر ضد دشمن قیام و از هستی و دارائی برای حفظ خاک وطن دریغ نورزیدند. مورخ مزبور در صد فهم این نکته برآمد علت پیشرفت اخیر را اشاعه معارف در تمامی مملکت تشخیص میدهد: سابقاً که دولت اعلان تجهیز یا جهاد میداد افراد به تاریکی و اهمیت موقع پی نبرده مجری قانون واقع نمیشدند این مرتبه چون تعلیمات عمومی ذهن همگی را روشن ساخته بود تمام افراد چون معی وطن پرستی را فهمیده و خطر را درک کرده بودند از صمیم قلب فریاد استغاثه دولت را شنیده استقبال نمودند. در میان ملتیکه تمام افراد

آن تحصیل کرده و کم یابیش با علم باشند شاید هیچوقت ناپلیونی ظهور نکنند ولی هیچوقت هم آتلت منقرض نخواهد گردید.

همچنین در ایران اگر در عهد داریوش سوم تعلیمات ابتدائی عمومیت داشت اسکندروطن ما را فتح نمیکرد. اگر در زمان بزدگرد مدارس ابتدائی در تمام ایران پراکنده بود اعراب بر ما تسلط نمی یافتند با داشتن این شرط چنگیز و مغول نژاد ما را زیر سم اسبان خود باعمال نمیکردند افغان جرأت طغیان بر ضد صفویه را در خود نمیدید و بالاخره عهد نامه ۱۹۰۷ بسته میشد .

پس میتوان گفت در مملکتی که تعلیمات ابتدائی عمومیت دارد بهترین و بایدارترین و نائق استقلال خارجی و آزادی در داخله و سعادت عمومی فراهم است .

امادرضمن اینکه فوائد تحصیلات ابتدائی را تا این اندازه مسلم دانستیم نمیتوانیم از ذکر این نکته خود داری نمائیم که تحصیلات ابتدائی بشرطی این فوائد را داراست که منتهی به تحصیلات عالییه بشود و الا بخودی خود چندان مفید نیست و اگر اشخاصی در مملکت یافت بشوند که تحصیلات عالییه را پیموده باشند اصولاً فوائد منتظره از تحصیلات ابتدائی حاصل نخواهد شد .

فرض کنیم در کره زمین مملکتی یافت شود که تمام افراد آن سه الی شش کلاس ابتدائی را پیموده و لی هیچکس تحصیلات عالیتری فرا نگرفته باشد. آیا احوال و اوضاع این مملکت از چه قرار خواهد بود ؟

در چنین مملکت چون تمام افراد تحصیلات ابتدائی را طی کرده اند خواندن و نوشتن را بلد هستند و باهوشان آنها ضمناً میدانند در امریکای جنوبی رود عظیمی است موسوم به آمازن که لندن بررگترین شهر های دنیاست و هارون الرشید یکی از خلفای عباسی بود. البته در

مملکت بقال ولبو فروش آن دارای این قبیل معلوماتند میتوان گفت که آن مملکت از حیث بقال ولبو فروش خیلی آبرو مندست . اما آیا زندگانی اجتماعی در تمام شعب هم باین اندازه آبرومند خواهد بود؟ کمترین مطالعه ضد اینرا نشان میدهد .

مملکت بانواع اشخاص با استعداد های مختلف احتیاج دارد . زمامدارانی میخواهد که علم و تجربه را توأم نموده و کلیه امور مملکت را از روی دانش و اراده اداره کنند بامهندسین و متخصصین فنی میخواهد که کار خانجات و مؤسسات فنی آنرا راه برند ؛ علمای حقوق میخواهد که در محاکم آن نشسته بین افراد قضاوت کنند ؛ متخصصین علوم اقتصادی لازم دارد که بانکها و مؤسسات اقتصادی را اداره کنند ؛ اطباء میخواهد که مرضارا معالجه و در صدد دفع موجبات امراض برآیند ؛ نظامیانی میخواهد که از فنون جدید جنگی با اطلاع بوده و قشوف مطابق مقتضیات امروزه فراهم کنند ؛ بالاخره معامین لازم دارد که تمام این طبقات منور الفکر و توده ملت را تربیت نمایند . تمام این اشخاص از مدارس عالیہ بیرون میانند . اگر مملکت دارای اینمدارس عالیہ نباشد چگونه این اشخاص تربیت خواهند شد؟ آیا ممکن است موقفۀ یا برای مدت متمادی از وجود آنها صرف نظر شود؟ مملکت هیچوقت از مهندس و طبیب و قاضی و معلم و غیره مستغنی نخواهد شد منتها اگر مدارس عالیہ برای تربیت آنها وجود نداشته باشد اشخاص نالایق و خرافات طلب جای آنها نشسته و خود را خلاف آنچه هستند معرفی خواهند نمود . اگر مدرسه طب نداشته باشیم باز از وجود طبیب مستغنی نگردیده و مانعی نخواهد بود که سر هرگزدر یک تابلو کوبیده شود فقط بجای طبیب مدرسه دیده بکنفر فارغ التحصیل کلنیک پرفسور کلووم ننه خواهد نشست . اگر مدرسه حقوق نداشته باشیم باز هم برای عضویت محاکم ما بیش از حد احتیاج داو طلب پیدا خواهد شد . همچنین

فقدان سایر مدارس سایر مشاغل عمومی یا خصوصاً در دست جهال قرار خواهد داد و مملکت را بقیه‌ترا خواهد برد.

آیا داشتن بقال و لیبو فروش با سواد تمام این معایب را جبران میکند؟ اصلاً در مملکتی که تمام افرادش بالتوبه و انحصاراً تحصیلات ابتدائی کرده باشند کسی حاضر نخواهد بود بقال و لیبو فروش بشود علت اینکه امروز تمام مردم دنبال مشاغل عالیه میروند و برخی بکارهای پرزحمت کم منفعت تن در میدهند برای اینست که به عدم لیاقت خود معترفند ولی اگر روزی بشود که معلومات بقال و فضایل وزیر متساوی و بقال از این کیفیت آگاه باشد طوی نکشیده دکان خود را مرد بقال تخته کرده و کتبادۀ وزارت خواهد کشید. در مملکتی که نصف افرادش اقلان داد و طلب وزارت باشند زندگانی اجتماعی غیر ممکن خواهد بود.

بالاخره باید در نظر داشت که فواید تحصیلات ابتدائی بقسمیکه در قسمت اول این مقاله شرح داده شد وقتی مرتب میشود که اشخاص دارای قوه مدرکه و تمیز خوب از بد باشند و الا اگر تحصیلات ابتدائی این قوا را در شخص ایجاد نکند نمی بینم فواید آن چه خواهد بود. مثلاً اینکه میگوئیم باید بقال تحصیلات ابتدائی کرده باشد برای این مقصود نیست که سیاهه خرج و دخل خود را شب بشب با خط خودش بنویسد اگر خود او نوشت خیلی بهتر است ولی اگر همسایه او نوشت بازچندان ضرری نخواهد داشت. منظور ما از تحصیلات ابتدائی برای بقال اینست که قوه فهم در او ایجاد شود که از خرافات دست بردارد و در زندگانی اجتماعی آلت دست مردمان خائن و خودپسند واقع نشود. تحصیلات ابتدائی بخودی خود این معایب را بر طرف نمیکند. فقط زمینه برای تهذیب اخلاق مهیا میسازد. بعدها خود افراد بوسیله خواندن جراید و کتب و نشریات دیگر، بوسیله استماع نطقها و کنفرانسها،

بوسیله حضور در نمایشها ، تماشای برده های سینما توگراف و اعلانات و غیره در روی آن پایه بنای محکمی میسازند اگر این وسائل ورزش دعاغی فراهم نباشد دماغ بقال و امثال او مانند دورنمائی پس از غروب آفتاب بتدریج محو و تاریک گردیده و در فاصله کمی ظلمت جهل و خرافات آنرا فرا خواهد گرفت. اینک باید تصدیق کرد در مملکتی که از طبقات منورالفکر محروم باشد هیچ يك از وسائلی که ذکر گردید فراهم نمیشود .

بطور خلاصه میتوان گفت در مملکت مافوق سایر طبقات يك طبقه نخبه یا اشخاص منورالفکری باید باشد که امور مهمه اجتماعی را در دست گرفته موجبات سعادت اهالی را فراهم آورد -

در زیر دست این طبقه باید توده ملت دارای يك درجه معلومات و فهم باشد تا بتواند تکیه گاه و پشتیبان اداره کنندگان خود واقع شود ولی بدیهی است اول باید طبقه منورالفکر تشکیل و بعد به تهذیب سایر طبقات اقام گردد

چنانچه نظری بممالك متمدنه روی زمین بیفکنیم می بینیم همگی آنها همین راه را پیموده اند - در فرانسه تعلیمات ابتدائی مجانی پنجاه سال قبل عمومیت یافت در صورتیکه قرنهایست دارالفنون پاریس یا سوربون Sorbonne تاسیس شده است - در نتیجه تدریس این دارالفنون و سایر مدارس عالییه فرانسه بود که طبقات منورالفکر بتدریج مملکت فرانسه را باین پایه عظمت و تمدن رسانیدند نیز در سایه مجاهدت آنان بود که انقلاب فرانسه بساط ظلم و استبداد را برچیده موجبات تعمیم معارف را در تمام طبقات فراهم آورد همچنین در انگلستان و آلمان و سایر ممالك کهن سال اروپا دارالفنون ها هر يك چندین قرن عمر کرده اند. اگر ما هم خواسته باشیم مثل آنها بشویم باید راهی را که آنها پیموده اند دنبال کنیم و قبل از هر چیز وسائل تحصیلات عالییه را درین

مملکت فراهم آوریم.

مخصوصاً در ایران امروز که مملکتی است عقب مانده از قافله تمدن اگر خواسته باشیم هستی خود را در مقابل حریفان عالم و تمدن حفظ کنیم باید خود را بآنها نزدیک سازیم و هر چه آنها دارند برای خود کسب نمائیم. ما باید باندازه احتیاج و در تمام شعب اجتماعی بدون استثناء اشخاصی داشته باشیم که از حیث علم و تجربه و طرز کار از حریفان و همکاران خارجی خود کمتر نباشند و مقدرات مملکت را در دست گیرند و این اشخاص باید در مدارس عالیہ تربیت شوند. احداث مدارس عالیہ هم چون با اوضاع فعلی مقدور نمیشود عقیده داریم تا مدتی با اعزام شاگرد بخارجہ اکتفا شود. هر سال عده ای که از هزار نفر کمتر نباشد از جوانان ایرانی برای کسب علوم و فنون مختلفہ بممالک متمدنہ اروپا اعزام گردد. بعد از چند سال خود آنها قادر خواهند بود حکومت ایران را در دست گرفته و موجبات تأسیس مدارس عالی و تعمیم تعلیمات ابتدائی را فراهم آورند. مطلب بقدری واضح و موضوع بقدری برای مملکت حیاتی است که اقامت دایم و زرد دلایل مخالفین اصلاً بيمورد است؛ آنجا که عیاست چه حاجت به بیان است. بانیلیغ این فکر که جز تحصیلات ابتدائی درین مملکت تحصیلاتی لازم نیست از داشتن مدارس عالیہ محروم و بمنظور دیگر خود عم نائل نخواهیم شد.

اگر واقعا ما یلیم درین مملکت همه کس باسواد باشد شرط اول آن ایجاد طبقه منور الفکر قوی در مملکت میباشد خود آنها تعلیمات ابتدائی محافی را درین مملکت اشاعه خواهند داد.

عمل صالح و اکل حلال

سنائی غزنوی

فرخ آن کا اختیار او همه سال
عمل صالح است و اکل حلال
هست به نزد من در این ایام
ببینوا زیستن ز کسب حرام